

اگر روزی در جیب پسر نوجوان خود، سیگاری پیدا کردید یا آنکه از همسایه‌ها شنیدید که دختر نوجوان شما را در حال سیگار کشیدن دیده‌اند، آرام بمانید و نگران نباشید. توجه کنید که پسر و دختر شما منحرف و فاسد نشده‌اند؛ بلکه کاری کرده‌اند که معمولاً هر نوجوانی در این سن ممکن است انجام دهد. آنان می‌خواهند این نوع کار، بزرگ‌ترها را نیز تقلید کنند و بدانند که سیگار کشیدن چه مزه‌ای می‌دهد و چه فایده‌ای دارد؛ ولی با تمام این احوال باید از راه صحیح دقت کنید که این یک بار امتحان به اعتیاد فرزندان منجر نشود. کنجکاوی در امتحان کردن، یکی از دلایل اصلی روی آوردن نوجوانان به سیگار است که اغلب از طریق دوستان و همسالان تبلیغ می‌شود و به آرامی برای ادامه این تجربه، به بهانه‌های مختلف فرد به سایر مواد مخدر نیز روی می‌آورد.

افزایش روزافزون مصرف سیگار از روی عادت و به بهانه آرامش، با وجود هشدارهای پیاپی مجامع پزشکی و فرهنگی درباره آسیب‌های جدی و پیامدهای جبران‌ناپذیر مصرف سیگار، یکی از چالش‌های مهم اجتماعی در جامعه امروز است. عوامل اجتماعی متعددی در بروز این امر دخالت دارند که اینجا به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

یکم) اعتیاد والدین یا سایر اعضای خانواده

یکی از عواملی که باعث گرایش فرزندان به سیگار می‌شود، اعتیاد اعضای خانواده به‌ویژه والدین است. روابط داخلی خانواده، بستگی زیادی به کنش‌های متقابل پدر در خانواده دارد. با اعتیاد پدر، معمولاً بر رفتارهای مخفی‌کاری حاکم می‌شود و غیبت‌های مکرر اتفاق می‌افتد؛ در نتیجه فضای دروغ‌گویی و شک و تردید بر روابط اعضای خانواده حاکم می‌شود و محیط

پژوهشگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم انسانی

که تنها دارای یکی از والدین بوده‌اند، به مراتب بیشتر بروز کرده است؛ در حالی که در خانواده‌هایی با روابط رضایت‌بخش و صمیمی، اعتیاد به مواد مخدر با احتمال کمتری عادت می‌گردد.^۳

سوم) محدود کردن فرزندان

محدود بودن نیز مانند آزادی نامحدود، می‌تواند عامل گرایش فرد به انحرافات اجتماعی باشد؛ زیرا از سویی، محدود بودن باعث فعال شدن حس کنجکاوی فرد و از سوی دیگر سبب بروز مشکلات عاطفی می‌شود. کنترل بیش از حد، سبب می‌شود که فرد، وابسته به کنترل خارجی (زور) باشد؛ یعنی تا زمانی که از طریق اعمال زور، رفتارش تحت کنترل است، عمل منحرفانه انجام نمی‌دهد؛ اما به محض اینکه به هر دلیل کنترل والدین ضعیف شود، خود را رها می‌باید و به رفتارهای انحرافی‌آمیز روی می‌آورد؛ زیرا از کودکی، حس کنترل درونی او خاموش بوده و همیشه به کنترل خارجی، وابسته بوده است.^۴

چهارم) مشاجره و اختلافات خانوادگی والدین

مشاجره و اختلاف در خانواده، از علل مهم گرایش افراد به ناهنجاری‌ها و اعتیاد است. هر قدر کودکان و نوجوانان شاهد نزاع‌های بیش از حد والدین خود قرار گیرند و هیچ‌گونه محبتی را بین والدین احساس نکنند، به اعتیاد روی می‌آورند. والدین هر قدر دارای رابطه انسانی و محبت‌آمیز باشند و کودکان از نوع روابط اعضای خانواده راضی باشند، به همان میزان از گرایش به اعتیاد روی‌گردان خواهند شد. «طبق یافته‌های تحقیقی، ۴۴٪ بزهکاران جامعه ما خانواده‌های لایبالی داشته‌اند.

۳. بررسی عوامل مؤثر در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر، ص ۵۴.

۴. نقش خانواده در پیش‌گیری از انحرافات، ص ۶۱.

داخلی خانواده، متشنج و پُرسنجه می‌گردد. افرادی که در چنین خانواده معتادی زندگی می‌کنند، ترس و قبح معتاد شدن در آنان از بین می‌رود. عادی شدن مصرف مواد، موجب سهولت گرایش دیگر اعضا به مصرف مواد مخدر می‌شود. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از معتادان در خانواده، افراد معتادی از قبیل پدر، مادر، پدربزرگ و... داشته‌اند که از او تأثیر پذیرفته‌اند.

«مطالعات کمپسا (۱۳۸۱) نشان می‌دهد که در خانواده اکثر افراد معتاد، حداقل یک نفر آشنا از اقوام نزدیک معتاد بوده‌اند. همچنین مطالعه اسکاکی (۱۹۹۴) نشان داده است افرادی که در خانواده، زمینه سوء مصرف مواد دارند یا یکی از والدین مبتلا هستند، در سنین نوجوانی و جوانی، گرایش به سوء مصرف مواد بیشتر است.»^۱ اعتیاد پدر و مادر از یک سو، کنترل و تسلط آنان را بر فرزندان کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، عامل انتقال این عادت به فرزندان می‌شود. البته گاهی اوقات برخی فرزندان به دلیل انزجار از رفتار پدر و مادر و عبرت گرفتن از آنان، از این صفت دوری می‌جویند؛ اما چنین والدینی در گرایش به اعتیاد فرزندان نقش مؤثری دارند.^۲

دوم) والدین مطلقه (پدر یا مادر مطلقه داشتن)

در خانواده ناقصی که یکی از والدین طلاق گرفته، کنترل بر فرزندان کاهش می‌یابد و فرزندان، احساس آزادی بیشتری داشته، به راحتی از قوانین و مقررات سرپیچی می‌کنند. «پژوهشی نشان داد که بین طلاق و گرایش به مصرف مواد مخدر، رابطه معناداری وجود دارد. مطالعات کولمن و همکاران (۱۳۸۰) نشان داده که آمار طلاق والدین در بین افراد معتاد به مراتب بیشتر از سایر افراد است. همچنین مصرف مواد مخدر در خانواده‌هایی

۱. بررسی عوامل مؤثر در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر، ص ۵۵.

۲. نقش خانواده در پیش‌گیری از انحرافات، ص ۵۸.

مخاطره‌انگیز و یا استفاده از مصرف مواد مخدر منجر می‌شود. وی فراهم شدن شرایط لازم برای گرایش به اعتیاد به وسیله دوستان را، در زندگی بیش از ۸۵٪ افراد معتاد مشاهده کرده است. نتیجه مطالعه نریمانی و همکاران (۱۳۷۸) نشان می‌دهد که از بین عوامل مورد مطالعه، دوستان معتاد و محیط اجتماعی آلوده، بیشترین نقش را در گرایش افراد به اعتیاد ایفا کرده‌اند.^۲

ششم) تبعیض بین فرزندان

این مسأله نیز یکی دیگر از مواردی است که فرد در خانواده احساس حقارت و حسادت می‌نماید. توجه نکردن به این امر، می‌تواند زمینه اعتیاد به سیگار را ایجاد کند که آغازگر گرایش نوجوان به سایر اعتیادهاست.

هفتم) کم‌توجهی به نیازهای فرزندان

بی‌توجهی والدین به نوجوانان در گرایش آنان به اعتیاد، تأثیر زیادی دارد. برخی از والدین، اطاعت بی‌چون و چرا را از فرزندان می‌خواهند و بر فرزندان خویش برچسب بی‌کفایتی می‌زنند. آنان با این کار، فرزندان خود را در برابر گرایش به مواد مخدر آسیب‌پذیر می‌سازند. بنابراین، هر قدر نیازهای عاطفی، جسمی و روانی جوانان از سوی والدین برآورده شود، از گرایش آنان به اعتیاد جلوگیری خواهد شد.

۱) کمبود محبت

به اعتقاد روان‌شناسان، اختلالات روانی افراد ناشی از کمبود محبت در بیشتر موارد به شکل‌هایی همچون ضعف اعتماد به نفس، خجالت و تمایل به تقلید کورکورانه، نیاز به جلب توجه و خودنمایی از طریق روش‌های نامطلوب مانند گرایش به مصرف سیگار ظاهر می‌شود؛ برای نمونه در زمینه‌های انحرافی

۲. بررسی عوامل مؤثر در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر، ص ۵۴.

کنترل بیش از حد، سبب می‌شود که فرد، وابسته به کنترل خارجی (زور) باشد؛ یعنی تا زمانی که از طریق اعمال زور، رفتارش تحت کنترل است، عمل منحرفانه انجام نمی‌دهد؛ اما به محض اینکه به هر دلیل کنترل والدین ضعیف شود، خود را رها می‌یابد و به رفتارهای انحرافی‌آمیز روی می‌آورد

همچنین در پژوهش دیگری نشان داده شده که ۸۲٪ معتادان، سبب‌های خانوادگی را در فرار فرزندان و روی آوردن به اعتیاد مؤثر می‌دانند.^۱

پنجم) معاشرت با دوستان معتاد

نظریه انتقال فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که کجرفتاری از طریق معاشرت با «دوستان ناباب» آموخته می‌شود. معاشرت با چنین افرادی می‌تواند از جنبه‌های خاصی مانند فراوانی (تکرار دفعات)، اولویت، دوام (طول زمان) و شدت تماس در فرایند یادگیری کجرفتاری و بزهکاری مؤثر باشد. هر چه سطح تماس فرد با افراد یا گروه‌های کج‌رو و معتاد بیشتر باشد، احتمال کجرفتاری بیشتر است. با پا گذاشتن دختر یا پسر به سن نوجوانی، از میزان تأثیر خانواده بر او کاسته می‌شود و تأثیرات محیط اجتماعی و گروه همسالان بر فرد افزایش می‌یابد.

«نتایج این پژوهش نشان داد، بین داشتن دوستان ناباب و معاشرت با افراد معتاد و گرایش به مصرف مواد مخدر رابطه معناداری وجود دارد. طبق بررسی‌های باسبت (۱۳۸۱) رابطه دوستی با معتادان به مواد مخدر، به ایجاد رفتارهای

۱. پیشین، ص ۶۱-۶۲.



«بسیاری از صاحب‌نظران در مسأله بزهکاری، کمبود محبت در خانواده‌ها را ریشه اصلی جرم و انحراف دانسته‌اند. تحقیقی از غرب درباره بزهکاران نشان داده که ۹۱٪ مجرمان، به نحوی دچار مشکل عاطفی بوده‌اند.»^۱

۲) افراط در محبت

زیاده‌روی در محبت نیز اثری منفی بر تربیت فرزندان دارد؛ به گونه‌ای که فرزند، همیشه متکی به پدر و مادر است و هیچ‌گاه احساس استقلال و بزرگ‌منشی نخواهد کرد و زمانی که وارد جامعه شود و در این موقعیت از محبت‌های پدر و مادر دور باشد، احساس کینه و عقده‌جویی خواهد داشت و برای جبران این مسأله به هر عمل خلافی دست خواهد زد.

هشتم) راه‌کارها و پیشنهادها

الف) نقش خانواده

یکی از بهترین راه‌های جلوگیری از گرایش کودکان و نوجوانان به سیگار، این است که والدین سیگار نکشند.

با تعلیم و تربیت درست و دادن آگاهی به فرزندان، می‌توان جلوی این معضل را گرفت؛ زیرا شخصیت کودک و نوجوان متأثر از رفتار پدر و مادر است.

توجه مناسب والدین به نیازهای فرزندان و تأمین آن‌ها، هم امری است که نباید از آن غفلت کرد.

والدین با ایجاد ارتباط کلامی با فرزندان و گسترش فضای همدلی، به دل‌های جوانان راه یابند تا چنانچه جوانان در معرض آسیب قرار گرفتند، راهی برای ارتباط با والدینشان وجود داشته باشد.

اولیا باید با نظارت بر انتخاب دوستان و معاشرت فرزندان، معیارهای انتخاب دوست مناسب را به فرزندان آموزش بدهند

۱. نقش خانواده در پیش‌گیری از انحرافات، ص ۵۶.



تا فرزندان در آن مسیر به بی‌راهه نروند. تحقیقات نشان داده که در بیش از ۶۰ درصد موارد، اولین مصرف با تعارف دوستان و همسالان صورت می‌گیرد. برای خنثی کردن تأثیر نگرش‌ها و فشارهای دوستان از آموزش «مقاومت» در برابر فشار دوستان باید استفاده شود.

والدین باید برای سودمند کردن اوقات فراغت و بی‌کاری فرزندان خویش تدبیری اندیشیده، راهنمای مناسبی برای اشتغال و سرگرمی جوانان فراهم آورند.

والدین باید ارتباط فردی میان خود و فرزندان را بهبود ببخشند و در حد امکان به آنان استقلال رأی داده، در تصمیم‌گیری‌های درون خانواده مشارکت دهند.

ب) نقش مربیان

یکی از مسائل پیرامون مواد مخدر که نگرانی‌های زیادی را موجب گردیده، بالا رفتن آمار اعتیاد در میان دانش‌آموزان است. برای اینکه مدارس، تأثیر مثبتی در جلوگیری و کاهش مصرف سیگار در بین نوجوانان دانش‌آموز داشته باشند، باید محیطی ایجاد کنند که دانش‌آموزان را به تقویت اعتقادات و رفتارهای ضد مصرف سیگار تشویق کنند.

مدارسی که برای پیش‌گیری و کاهش ابتلای دانش‌آموزان به مصرف دخانیات آموزش می‌دهند، در اجرای کامل این برنامه، موفق خواهند بود. بهترین کار برای چنین برنامه‌هایی، آن است که به تمامی آثار و پیامدهای منفی اجتماعی از مصرف دخانیات در این برنامه‌ها توجه داشته باشند و نه یک جنبه. از طرفی مهارت «نه» گفتن و فریب نخوردن را به نوجوانان آموزش دهند. دانش‌آموزان باید این دستورات عملی و آموزش‌ها را در طول دوران تحصیل‌شان دریافت کنند. برنامه‌های پیش‌گیری از دخانیات باید درجه‌بندی شده و براساس سن نوجوانان تنظیم شود و همراه با دستورات عملی دقیق برای اجرا، در مقاطع

راهنمایی و دبیرستان در دسترس باشد.

نمی‌توان فقط بر موضوع پیش‌گیری متمرکز شد؛ زیرا اکنون، بسیاری از فرزندان، برای سیگار کشیدن آماده‌اند و خیلی‌ها برای ترک به کمک نیاز دارند. همکاران فرهنگی که به مصرف سیگار عادت دارند، باید بدانند که مبتلا به عادت ناپسندند و ابزار مربوط به سیگار (مثل فندک و کبریت)، باید از چشم دانش‌آموزان پنهان بماند. آنان حتی در دفتر مدرسه نباید سیگار بکشند. محل سیگار کشیدن آنان باید منحصر به آبدارخانه باشد؛ آن هم در صورتی که فرد غیرسیگاری در آنجا نباشد. آگاهی دادن به دانش‌آموزان در مورد عوارض مواد اعتیادآور از طریق کتب درسی و کمک درسی در قالب یک برنامه‌ریزی مدون از جمله وظایف آموزش و پرورش است. در واقع آگاه‌سازی و آموزش معلمان در برخورد با دانش‌آموزانی که به سیگار گرایش پیدا کرده‌اند و گسترش تربیت بدنی و هنر، مراقبت بر افراد آلوده ساکن در حاشیه مدرسه، حمایت از خلاقیت‌ها و نجات دانش‌آموزان آلوده به اعتیاد و حمایت از دانش‌آموزان فقیر، افسرده و منزوی، از جمله مواردی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

آموزش‌های خانواده در نحوه برخورد با نوجوانان، آموزش در سطح مدارس، افزایش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی بین نوجوانان در سطح جامعه، توجه پزشکی خانواده‌ها به اختلالاتی نظیر اختلالات بیش‌فعالی، افسردگی و اضطراب نوجوانان از مهم‌ترین راه‌کارهای پیش‌گیری از شیوع اعتیاد در سطح جامعه است و در تشخیص زودرس این اختلالات در نوجوانان بسیار اهمیت دارد.

ج) نقش مسئولان

افسردگی، طلاق والدین، معاشرت با افراد ناباب، تمایل به سیگار کشیدن و ...، بیشترین تأثیر را در گرایش جوانان به

مصرف مواد مخدر و شیوع مصرف سیگار دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با ایجاد مراکز آموزش مهارت‌های زندگی، گسترش مراکز مشاوره خانواده، ایجاد مراکز و کلاس‌های آموزش هنری، فرهنگی و فنی و حرفه‌ای از گسترش این معضل جلوگیری شود. - پیشنهاد بعدی، فراهم آوردن زمینه‌های تحقیقاتی در مورد بررسی علل گرایش کودکان و نوجوانان به سیگار جهت پیش‌گیری از اعتیاد به آن است.

- مفیدترین و ثمربخش‌ترین نهاد اجتماعی، برای دور نگه‌داشتن جوانان از اعتیاد، خانواده است. دولت باید نسبت به آموزش دادن خانواده‌ها، اقدامات لازم را به عمل آورد. به این منظور باید برنامه‌های آموزشی به وسیله رسانه‌های گروهی اعم از رادیو، تلویزیون، سینما و مطبوعات، تدوین و مضرات و پیامدهای منفی آسیب‌های اجتماعی اعلام شود. همچنین رسانه می‌تواند با ترسیم الگوهای رفتاری صحیح با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی، مکانی و فرهنگی، براساس آموزه‌های دینی، نظام کنترل درونی را در افراد تقویت کند تا نگرش افراد را از سنین پایین نسبت به سیگار و موارد مخدر آماده سازد.

منابع

- نحوی، سید سیف‌الله (۱۳۸۸)، «نقش خانواده در پیش‌گیری از انحرافات»، قم، نشر نورالسجاد، چاپ اول.
- پرویز مولوی، بهزاد رسول‌زاده (۱۳۸۳)، «بررسی عوامل مؤثر در گرایش جوانان به مصرف مواد مخدر»، فصل‌نامه اصول بهداشت روانی، سال ششم، بهار و تابستان، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۴۹-۵۵.